روزنامه صبح
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی
توسعه ایرانی

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا
مدیر مسئول: مسعود حیدری
زیر نظر شورای سردبیری
مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲
تلفن تحریریه: ۶۶۹۵۶۶۰۰(۰۲۱)
toseeirani.ir

نگاهی به حضور زنان در دوازدهمین جشنواره موسیقی نواحی

حضوری در حاشیه، مبتذل و نمایشی

بیتا یاری

دوازدهمین جشنواره موسیقی نواحی ایران هفته گذشته در کرمان برگزار شد و از چند ده گروه نواحی مختلف حاضر در جشنواره، زنان نیز در چند گروه که از انگشتان یک دست فراتر نمی‌رفت، توانستند هنرنمایی کنند. هنرنمایی که شامل تک‌نوازی، هم‌نوازی و همخوانی بود و اجراهانیز همگی در فضای بازمحوطه مجموعه گنجعلیخان کرمان برگزار شد. نگارنده در این نوشته سعی دارد با نگاهی به حضور زنان در این جشنواره، کم و کیف این حضور را بررسی کند.

درآمد: جولان خبری با حضور زنان

برخوردهای سلیقه‌ای برخی مدیران و فشار برای حذف زنان از جوامع موسیقی و به پایین کشیدن نوازندگان زن از روی سن آن‌قدر در این سال‌ها رخ‌داده که دیگر خبری عادی جلوه می‌کند، از این رو به روی سن بردن زنان می‌تواند جولانگاه خوبی برای تبلیغ و دیده شدن باشد. خاصه آنکه رویدادی در سطح ملی پس از سال‌ها برگزاری در خلوت، اکنون می‌خواهد به چشم همگان بیاید و فراتر از یک اتفاق معمولی دیده شود؛ تا نمره قابل قبولی در عملکرد مدیران این رویداد قرار بگیرد و امتیاز مثبتی نیز از انظار عمومی دریافت کند. بماند که در این سال‌ها نگاه‌های افراطی موجب فشارهای بیش از این نیز بر موسیقی و زنان نوازنده شده اما هیچ حمایتی در به روی سن بردن زنان در نگاه مدیران فرهنگی دیده نشده است. از این رو بانگ رسای این تبلیغ را باید به فال نیک گرفت هر چند وسیله‌ای تبلیغی برای جشنواره باشد و اهمیت حضور زنان تنها در جنسیت آنها مستتر باشد نه هنرشان. اینکه مدیران و متولیان فرهنگی، هنری این اندازه جسارت به خرج داده‌اند که مخاطرات حضور زنان روی سن را که هنوز معلوم نیست چرا با آنان مخالفت می‌شود به تن بمالند؛ جای بسی خرسندی است و می‌توان از این عمل دفاع معقولی کرد چراکه بالاخره جایی حاضر شده است در این روزگار پشت خالی کردن‌ها و جازدن‌ها، بلیت خود را برای روی سن رفتن زنان خرج کند و اعتبار گرو بگذارد. بلیتی که دیگران حاضر به سوزاندنش نیستند حتی اگر در مساله قابل حلی چون نوازندگی زنان باشد چه برسد به مساله مهم‌تری چون صدا و همخوانی! که البته در این مورد فخرفروشی هم دارد.

اوج: حضور غیرمحوری

از چهار گروهی که نگارنده شاهد اجرای آنان بود تنها گروه هرای، با اعضایی کاملاً زنانه، با محوریت چهار دختر قوچانی، روی سن رفت و در بقیه گروه‌ها زنان و مردان همراه با هم هم‌نوازی و همخوانی داشتند. ضمن آنکه به‌علاوه گروه هرای، تنها گروه لیانا به سرپرستی لیانا شریفیان، نوازنده نی‌انبان، گروهی بود که در آن نیز زنان محوریت اجرا را برعهده داشتند. در دو گروه دیگر که یکی از آذربایجان غربی و دیگری از هرمزگان به سرپرستی خالو قنبر راستگو بود؛ زنان در نقش هم‌نواز و همخوان نقش‌های اصلی و محوری را برعهده نداشتند. بلکه در حاشیه وجود مردانی که محور اجرای زنده موسیقی هستند گاهی هم‌نوازی می‌کردند و همراه ماجرا بودند و یا با همخوانی فضای موسیقی را می‌ساختند، و گاهی نیز کل می‌کشیدند و در جهت تزئین حاشیه فضایی که موسیقی مردانه در آن ارائه می‌شود همراهی را برعهده داشتند. همراهی که می‌توانست حذف شود، همانند هم‌نوازی زنان در گروه آذربایجان غربی، چراکه آن‌قدر در متن برنامه جدی نبود و یا می‌توانست با میدان گرفتن زنان در نقش محوری، به‌عنوان نوازنده دوزله، حضور مردانه خالو قنبر در میانه چندین نوازنده و همخوان گروهش را حذف کند. که البته این گونه نشد و حضور خالو قنبر در میان آن همه همراه زن، هرچند جمعی بیشتر زنانه رقم زده بود اما محوریت یک مرد که گروه زنانه قائم به آنند را به شکلی عریان آشکار می‌ساخت و زنان نوازنده را در درجه دوم اهمیت می‌نشاند. مساله‌ای که هرگز نمی‌توان با آن دم از حضور زنان در موسیقی زد چراکه شخصیت زنان در درجه دوم اهمیت و در ذیل و لوای مردان تعریف شده است.

فرود: درک و محتوای مبتذل

آنچه روی سن توسط این چهار گروه اجرا و به خورد مخاطب داده شد نیز خود گویای میزان اشراف و درک متولیان فرهنگی از هنرمندان زن این مرزوبوم و همچنین موسیقی نواحی ایران است که این گونه تنها با این چهار گروه مدعو شمایی از ذهن مدیران فرهنگی و آنچه آنان از هنر زنان می‌شناسند را ترسیم می‌کرد. هر آنچه اجرا شد به بخش محفلی و جشن گونه نواحی مختلف ایران تعلق داشت و زنان نیز متناسب این آیین‌ها لباس‌هایی زیبا و رنگارنگ سنتی خویش را بر تن داشتند. فارغ از اینکه سطح و کیفیت اجراها از اصیل و دقیق تا نازل و بی‌ارزش متغیر بود اما ابتذال موجود در رویکرد نمایشی حضور زنان و عدم درک و تمیز هنر اصیل نواحی در مدیران جشنواره بیش از بی‌کیفیتی آن، مبتذل بودن را آشکار می‌ساخت و شعار حضور زنان را تنها به جنسیت فرو می‌کاست. درحالی که زنان موزیسین در مناطق مختلف کشور هستند که هنرشان در ذیل حضور مردان و برنامه‌های محفل گردانی تعریف نمی‌شود و استقلال و کیفیت هنرشان در جنسیت آنها خلاصه نمی‌شود. کسانی که مدیران و متولیان هنری نشان دادند تا چه اندازه با آنها غریبه هستند که بلیت‌های خود را ارزان حراج کرده‌اند.

فارغ از اینکه سطح و کیفیت اجراها از اصیل و دقیق تا نازل و بی‌ارزش متغیر بود اما ابتذال موجود در رویکرد نمایشی حضور زنان و عدم درک و تمیز هنر اصیل نواحی در مدیران جشنواره بیش از بی‌کیفیتی آن، مبتذل بودن را آشکار می‌ساخت و شعار حضور زنان را تنها به جنسیت فرو می‌کاست

یادداشت

نگاهی به داستان‌گویی در رپ فارسی

داستان خود را بنویس

بهروز آقاخانیان

نگاهی به فهرست آهنگ‌های رپی که در ساوند کلاود دارم می‌اندازم. در این سال‌ها تبدیل به فهرست بلندبالایی شده است. هر کدام از این قطعات به علتی در این فهرست قرار دارند. یا از موضوع ترانه خوشم آمده یا آهنگ و یا Flow رپر نظرم را جلب کرده است. اما بجز اینها قطعات دیگری را هم به یاد می‌آورم که باوجوداینکه مورد علاقه‌ام نبودند ولی بعد از چند سال همچنان داستان یا شخصیت‌های موجود در آنها در ذهنم حک شده‌اند. این قطعات همگی در یک نقطه مشترک هستند و آن فرم داستان گویی‌شان است.

داستان‌ها از کودکی اطراف ما را فراگرفته‌اند. قصه‌های قبل از خواب، کتاب‌های کودکان، بخش‌های زیادی از کتاب‌های ادبیات در دوران تحصیل، داستان‌های مذهبی مانند ماجرای یوسف پیامبر یا داستان‌های ملی حماسی مانند قصه‌های شاهنامه. تأثیر داستان در درک ما از دنیای اطراف به‌قدری است که امروزه مطالب زیادی راجع به اهمیت داستان گویی حتی در مشاغل مختلف مانند بازاریابی هم نوشته می‌شود. ولی چرا داستان گویی و ارتباط آن با رپ چیست؟

آنچه داستان گویی را بااهمیت می‌کند قدرت آن در انتقال محتوا به مخاطب است. به این صورت که ذهن را قادر می‌سازد تا کلمات و جملات را به صورت تصویری در خود ثبت کند. ترانه نیز به‌عنوان گونه‌ای از ادبیات از این قاعده مستثنا نیست. حال آنکه ترانه در موسیقی رپ به خاطر طول آن که معمولاً حدود ۳۰۰ تا ۵۰۰ واژه است، فرصت مناسب‌تری را در اختیار هنرمند برای روایت داستانی کوتاه قرار می‌دهد. نمونه‌های داستان گوی موفق و به‌یادماندنی بسیاری در موسیقی رپ آمریکا وجود دارد، مانند Stan از Eminem که داستان یکی از طرفداران متعصب خود اوست؛ یا «رقص با شیطان» از Immortal Technique که داستان جوان رنگین پوست حاشیه‌نشینی است که رویای ثروتمند شدن را در سر دارد.

اما این فرم از سرودن ترانه متأسفانه در رپ فارسی کمتر مشاهده می‌شود. آثار بسیاری که حتی باوجود پیام ارزشمند و تسلط هنرمند بر کلمات؛ به‌سختی می‌توان محتوای آن را به خاطر آورد. محتوایی که اگر در قالب داستان بیان می‌شد، قصه و شخصیت‌هایش می‌توانستند مخاطب را هر چه بیشتر با خود درگیر کنند و در نتیجه تأثیر بهتری بر او داشته باشند. به‌طور مثال کارهای اشکان فدایی مانند جعبه جادویی یا مستقل، جدا از محتوای انتقادی ارزشمند آنها؛ به‌واسطه نداشتن روایت یا شخصیت در ارتباط بصری و احساسی با مخاطب ناتوان است و به یاد نمی‌ماند. صحبت در مورد اصول داستان نویسی مانند ساخت پی‌رنگ، شخصیت‌پردازی و انتخاب صحیح شیوه روایت، خارج از حیطه این یادداشت است. اما در ادامه سعی می‌شود نمونه‌های از داستان گویی در رپ فارسی آورده شود.

قطعه «هدیه» از رضا پیشرو یکی از این نمونه‌هاست. پیشرو بخش‌هایی از داستان زندگی خود در مواجهه با ناپدری و فرار از خانه را در دیالوگی یک‌طرفه با برادرش از طریق راوی اول‌شخص بیان می‌کند.

استفاده از راوی اول‌شخص در داستانی بر اساس مشکلات زندگی، به آن جهت که عمداً هنرمند خود را در قالب شخصیت اصلی استفاده می‌کند لازمه‌اش شجاعت و جسارت هنرمند است. نمونه دیگر از این دست، «کشتی» از علی سورنا است که برخلاف «هدیه» که فضایی رئال دارد، در بستری شاعرانه و سورئال روایت می‌شود. در اینجا شخصیت اصلی سعی می‌کند برخلاف گذشته منتظر کشتی نماند و خود را با کمک هر عابری که کمکش کند به آب زده و از بدن خود کشتی بسازد تا از «بندر فرار» بگریزد.

با این حال متداول‌ترین زاویه دید در روایت، راوی سوم شخص است. «دختر مامان» از رض، داستانی است کوتاه که شخصیت اصلی آن دختری است از خانواده‌ای سنتی که تن به ازدواجی ناخواسته و تراژیک می‌دهد.

و یا «پوچ» از Ali Alenor روایتگر خودویرانگری شخصیت اصلی داستان پس از سپری کردن یک روز مشقت‌بار تکراری است. در هر دو مثال راوی سوم شخص در قالب یک دانای کل از تمامی اتفاقات و حالات درونی شخصیت‌ها آگاه است.

جریان سیال ذهن شکل دیگری از روایت و مبتنی بر تک‌گویی‌های آشفته درونی شخصیت اصلی در مورد خود و محیط اطرافش است. تعدادی از آثار لیبل پلاک مانند «انزوا» از بامداد نمونه‌ای از این نوع روایت است.

قطعات بالا از معدود نمونه‌های داستان گویی در ترانه‌های رپ فارسی است. هنرمند با استفاده از داستان، یا سرگذشت و تجربیات خود را بیان می‌کند و یا تجربیات انسان‌های اطرافش را پس از درونی کردن به روی کاغذ می‌آورد. هر دو حالت باعث می‌شود مخاطب ارتباط بهتری با پیام اثر داشته باشد. شیوه روایت داستان زمانی بااهمیت‌تر می‌شود که موضوع اثر بیان اعتراض و انتقاد به وضع موجود است. به این ترتیب که جلوه شعارزدگی اثر را می‌گیرد و مخاطب را بیشتر با خود همراه می‌کند.

همکاری بنیاد رودکی با جشنواره دانشجویی صبا

سالن رودکی رایگان

دبیر هنری جشنواره دانشجویی صبا در نشست خبری این فستیوال در هفته گذشته اعلام کرد که بنیاد رودکی به حمایت از این جشنواره سالن رودکی را به‌رایگان در اختیار کنسرت‌های این فستیوال قرار داده است. اتفاقی که در چهار دهه گذشته بی‌سابقه بوده و همواره موزیسین‌ها از اینکه گروه‌های هنری کوچک و تجربی مجبور به پرداخت بهای گزافی برای کرایه سالن رودکی می‌شدند گله داشتند. البته دلسوزان بسیاری همواره درخواست داشتند که سالن رودکی در حمایت از موزیسین‌های هنری و گروه‌های کوچک به‌رایگان به آنها واگذار شود که این مهم در دو دهه گذشته که دوران تجاری‌سازی این سالن بوده و مبالغ کرایه آن اغلب فراتر از مجموع بلیت‌فروشی‌ها تاکنون می‌شده مورد توجه واقع نمی‌شد اما اکنون آغاز دوران مدیریت افضلی بر این بنیاد است و او گام اول را در راستای اعتمادسازی به‌خوبی برداشته است؛ ضمن آنکه نشان می‌دهد معاون محترم هنری وزیر ارشاد، سید مجتبی حسینی، نیز از این جابجایی خواسته‌هایی را مدنظر داشته که اکنون چرخش دیدگاه مدیریتی بنیاد رودکی یکی از این موارد است. به‌هرروی اکنون این امکان برای دانشجوها فراهم شده و امید است این حمایت به بیراهه نرود و همچنان در راستای حمایت از دانشجویان و موسیقی جدی بهره‌برداری شود و بعدها شاهد پدید آمدن رانتی به نام سالن رایگان برای برخی دوستان و ژن‌های خوب نشود.

نوا

بلیت‌های گران‌قیمت با ۹ هزار مخاطب

به گزارش روابط عمومی کنسرت گروه «شیلر»، کنسرت گروه موسیقی شیلر، روزهای ۱۶، ۱۷ و ۲۰ آبان ماه سال جاری در حالی در تالار وزارت کشور برگزار شد که این گروه بین‌المللی میزبان حدود ۹ هزار مخاطب ایرانی بود. این گروه به سرپرستی کریستوفر فون دایلن طی سه شب با اجرا منتخبی از قطعات مشهور گروه به همراه قطعاتی از آلبوم جدید گروه با نام «صبح دم» به صحنه رفت.

گروه شیلر که نخستین بار، پاییز سال ۹۶ برای اجرای کنسرت به ایران آمد و فروردین ماه امسال آلبومی با نام «صبح دم» را در همکاری هنرمندان ایرانی منتشر کرد؛ یکی از پرطرفدارترین گروه‌های موسیقی خارجی در بین مخاطبان ایرانی است که توانسته با مخاطبانش سه مرتبه دیدار کند. لازم به ذکر است که حتی بلیت ۳۵۰ هزار تومانی این کنسرت نیز مورد استقبال واقع شد.

ارکستر سازهای ملی در براتیسلاوا

به گزارش روابط عمومی معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، هفته فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با اجرای ارکستر سازهای ملی ایران به رهبری علی‌اکبر قربانی و خوانندگی محمد معتمدی در براتیسلاوا پایتخت اسلواکی برگزار شد. در این اجرا سید مجتبی حسینی معاون امور هنری، مهدی افضلی مدیرعامل بنیاد رودکی، مسئولان دولتی اسلواکی از جمله معاون وزیر فرهنگ و چهره‌های فرهنگی این کشور حضور داشتند.

نو نوا

همنوازی تار و تمبک

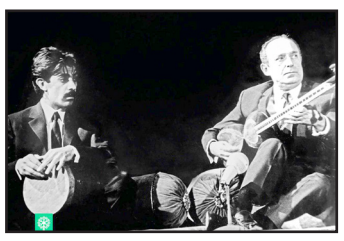

لطف‌الله مجد، جمشید شمیرانی
ناشر: ماهور ۱۳۹۸

همنوازی بداهه دو یا چند ساز، از بخش‌های اجرایی در موسیقی دستگاهی است که می‌تواند تجربه‌ای متفاوت از اجرای موسیقی را در اختیار نوازندگان و شنوندگان بگذارد؛ موسیقی‌ای که کلیات آن پیشتر مانوس ذهن مجری و مخاطب بوده و اکنون زمان آن فرا رسیده است در چالشی دو یا چندگانه لحظاتی بدیع خلق شود. بی‌تکلف‌ترین و معمول‌ترین این همنوازی، ترکیب یک ساز ملودیک و تمبک است؛ رایج‌ترین ساز کوبه‌ای در موسیقی دستگاهی. این آلبوم اجرای صحنه‌ای لطف‌الله مجد همراه جمشید شمیرانی است که در محل «خانه ایران» در خیابان شانزلیزه پاریس اجرا و ضبط شده است. چهار تراک آن همگی حاصل همان یک شب کنسرت این دو استاد است. لحظاتی که در این آلبوم بیش از ۵۰ سال پیش خلق شده‌اند نمونه‌های درخشانی از سادگی و روانی همنوازی دو نوازنده آزاده است. همانقدر که جملات مجد در این نواخته‌ها سیال و روان است، تمبک شمیرانی نیز در این هنرنمایی خلاقانه و به دور از تکلف چونان همراه اوست که گاه به‌روشنی همپای تار شنیده می‌شود و گاه در ساز مجد آن‌گونه حل می‌شود که گویا تنها یک نوازنده در حال هنرنمایی و بیان تنها یک اثر هنری است.